

## ارزیابی اندیشه‌ها و باورهای مذهبی گروه‌های افراطی و تروریستی در جهان اسلام نمونه موردی: داعش و جبهه النصره

محمود واثق<sup>۱</sup>

وحید آقایی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۱۴

### چکیده

در چند دهه اخیر، برخی گروه‌های افراطی و تروریستی، در تعدادی از کشورهای اسلامی، مانند افغانستان، پاکستان، عراق و سوریه شکل گرفتند تا اقدامات خشونت‌آمیز و تروریستی گسترده‌ای را مرتکب شوند. تقریباً تمام این گروه‌ها، دارای اندیشه‌های مذهبی و ایدئولوژیک سلفی وابسته به فرقه‌های وهابیت و دیوبندی هستند که براساس آن، اقدامات خود را توجیه

۱. استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

mahmoodvasegh@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

vahidaghaei\_110@yahoo.com

شرعی و دینی می‌کنند. از مهم‌ترین گروه‌های افراطی و تروریستی وابسته به جریان وهابیت و دیوبندی، می‌توان داعش و جبهه النصره را نام برد که در چند سال اخیر، در عراق و سوریه رشد قابل توجهی کرده‌اند و با حمایت برخی از کشورهای عربی منطقه، در حال توسعه قلمروی نفوذ خود هستند. رشد فعالیت و توسعه نفوذ این دو گروه، که شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند، پیامدهای ژئوپلیتیکی مخربی برای جهان اسلام به همراه داشته است. در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی ارائه می‌شود، ضمن ارزیابی اندیشه‌ها و باورهای مذهبی این دو گروه، روش‌های نفوذ و پیامدهای ژئوپلیتیکی حضور و رشد آن‌ها در کشورهای اسلامی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که داعش و جبهه النصره، اگرچه دارای شباهت‌های زیادی با یکدیگرند، اما برای گسترش حوزه نفوذ خود در جهان اسلام از تاکتیک‌های متفاوتی استفاده می‌کنند. ازسوی دیگر، رشد و گسترش این نوع جریان‌ها در جهان اسلام، پیامدهای ژئوپلیتیکی، همچون رشد و گسترش تروریسم و حملات تروریستی، خشونت و فرقه‌گرایی مذهبی، تصویرسازی منفی از اسلام و مسلمانان و در نهایت افزایش تعداد کشورهای ورشکسته مسلمان و کاهش وزن ژئوپلیتیکی جهان اسلام را به دنبال داشته است.

واژه‌های کلیدی: داعش، جبهه النصره، وهابیت، دیوبندی، جهان اسلام.

## مقدمه

جهان اسلام از آغاز دهه ۸۰ میلادی به بعد، شاهد تجدید نگرش در رویکرد برخی از گروه‌ها نسبت به اسلام و شکل‌گیری جنبش‌هایی بوده است که پژوهشگران غربی از آن‌ها با عنوان جنبش‌های بنیادگرا نام می‌برند. از تفکرات و اندیشه‌هایی که در چند دهه اخیر در جهان اسلام رشد پیدا کرده، اندیشه وهابیت و دیوبندی است. جدای از مسائل فقهی و تاریخی، که زمینه‌ساز شکل‌گیری این اندیشه‌ها در جهان اسلام بوده است، برخی عوامل و اندیشه‌های ژئوپلیتیکی نیز در رشد و گسترش این اندیشه‌ها تأثیرگذار بوده‌اند. شیوع اندیشه‌های سلفی، وهابیت و دیوبندی در برخی از کشورهای اسلامی، زمینه‌ساز اصلی شکل‌گیری گروه‌های افراطی و تروریستی است. از مهم‌ترین این گروه‌ها می‌توان به داعش و جبهه‌النصره اشاره کرد. این دو گروه تروریستی، که اینک در سوریه و عراق جولان می‌دهند، اقدامات خشن و افراطی خود را با استفاده از آموزه‌های وهابیت و دیوبندی توجیه می‌کنند. ازسوی دیگر، رشد سریع و رو به‌گسترش این اندیشه‌ها و گروه‌های وابسته به آن در برخی از کشورهای اسلامی، پیامدهای

ژئوپلیتیکی ویران‌کننده‌ای برای این کشورها و به طور کلی جهان اسلام به همراه داشته است.

## روش تحقیق

روش مطالعه این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. در جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و همچنین وبسایت‌های علمی و خبری استفاده شده است.

## مبانی نظری

### دولت اسلامی عراق و شام (داعش)

دولت اسلامی<sup>۱</sup> عراق و شام، که پیش‌تر به القاعده عراق و سپس به دولت اسلامی عراق مشهور بود، در آوریل ۲۰۰۴، توسط یک سنی‌مذهب افراطی به نام «ابومصعب الزرقاوی» ایجاد شد. در همان سال ۲۰۰۴، الزرقاوی وفاداری خود را به القاعده و اسامه بن لادن اعلام کرد. در آن سالها، این گروه نیروهای ائتلاف حاضر در عراق، نیروهای عراقی و غیرنظامیان را با استفاده از تاکتیک‌های مختلف مورد هدف قرار داده، نیروهای جدیدی را جذب می‌کرد. بعد از مرگ الزرقاوی، در ژوئن ۲۰۰۶ م. ابویوب المصری، رهبر جدید، در اکتبر ۲۰۰۶ تشکیل دولت اسلامی عراق را به‌وسیله ابوعمر البغدادی اعلام کرد. در آوریل ۲۰۱۰، پس از مرگ ابویوب المصری و ابوعمر البغدادی، ابوبکر البغدادی رهبری دولت اسلامی عراق و شام را برعهده گرفت. تحت اقتدار البغدادی، این گروه حملات خود را در سراسر عراق گسترش داد و با آزاد کردن زندانیان و جذب مبارزانی که در سوریه علیه دولت این کشور می‌جنگیدند، توسعه و قدرت درخور توجهی پیدا کرد. اگرچه اطلاعات دقیقی در مورد تعداد نیروهای داعش در دست نیست، اما سازمان‌های اطلاعاتی تعداد نیروهای این گروه را بین ۲۰ تا ۳۰ هزار نفر تخمین می‌زنند. نداشتن نرمش و ایدئولوژی سخت این گروه، به انشعاب و در نهایت اختلاف آن‌ها با جبهه‌النصره و القاعده منجر شد؛ به طوری که در فوریه ۲۰۱۴، القاعده اعلام کرد: دولت اسلامی عراق و شام شاخه‌ای از القاعده تلقی نمی‌شود. از آن سو، داعش نیز در آوریل ۲۰۱۴ طی بیانیه‌ای القاعده را برای جانشینی آن‌چه اسامه بن لادن پی‌ریزی کرده بود، مناسب ندانست و داعش را نمونه‌ای موجه‌تر برای جهادی بودن اعلام کرد. درواقع باید گفت، القاعده و داعش رقابتی برای در دست گرفتن رهبری جهانی جهاد خشونت‌آمیز شروع کرده بودند. در ژوئن ۲۰۱۴، داعش با آزاد

۱. اقدامات بی‌رحمانه، خشن و غیرانسانی این گروه‌ها ربطی به تعالیم الهی اسلام ندارد و نامیدن چنین گروهی با عنوان اسلامی، غیرقابل قبول است.

کردن زندانیان و به دست آوردن سلاح‌های بیشتر، بخش‌های قابل‌توجهی از عراق را اشغال کرد و در اواخر ژوئن، تأسیس خلافت اسلامی را برای همه مسلمانانی اعلام کرد که با این گروه بیعت کرده بودند (کارلس، ۲۰۱۴: ۱۰).

### جبهه النصره

جبهه النصره، یکی از قدرتمندترین گروه‌های وابسته به القاعده و یکی از گروه‌های فعال در جنگ‌های داخلی سوریه است. جبهه النصره در اوت ۲۰۱۱ (رمضان)، عملیات نظامی گسترده‌ای را در سرتاسر سوریه آغاز و در ژانویه ۲۰۱۲، هدف خود را سرنگونی رژیم بشار اسد اعلام کرد. از آن به بعد، صدها تن از شورشیان با روش‌های مختلف، همانند حمله‌های انتحاری به نیروهای امنیتی، رژیم سوریه را در سراسر کشور مورد هدف قرار دادند. نیروهای این گروه بین ۵ تا ۲۰ هزار نفر تخمین زده می‌شوند.

جبهه النصره، تنها به دنبال سرنگونی رژیم سوریه نیست، بلکه به گسترش و نفوذ منطقه‌ای و جهانی نیز می‌اندیشد. داعش و جبهه النصره، در ابتدا همکاری‌های قابل‌توجهی در سوریه با یکدیگر داشتند. داعشی‌ها، تسهیلات خود شامل نیرو و منابعی چون پول و سلاح را در اختیار جبهه النصره قرار می‌دادند. تا این‌که در آوریل ۲۰۱۳، ابوبکر البغدادی مساله ادغام دو گروه را در یکدیگر مطرح نمود، اما جبهه النصره و داعش، استراتژی‌های متفاوتی برای سوریه داشتند و ادغام بین آن‌ها احتمالاً استقلال جبهه النصره در سوریه را تهدید می‌کرد. به همین دلیل، در همان سال رهبر جبهه النصره، ابومحمد جولانی، وفاداری خود را به رهبر القاعده، ایمن الظواهری اعلام کرد. داعش، آشکارا رهبران ارشد القاعده را به انحراف از آنچه به‌عنوان مسیر حقیقی جهاد میدانند، متهم کرده است (کافارلا، ۲۰۱۴: ۲۷).

در ادامه نا آرامی‌های سوریه، جبهه النصره به ایجاد قلمرو و داشتن پایگاه‌های نظامی و زیرساخت‌های دیگر در شمال این کشور موفق شد و از اوایل سال ۲۰۱۲، هزاران نفر از سراسر جهان به سوریه سفر کرده‌اند تا از این گروه حمایت نمایند. از آنجایی که تعداد قابل‌توجهی از اتباع غربی به این گروه پیوسته‌اند، مقامات کشورهای غربی از بازگشت این افراط‌گرایان به کشورشان و امکان انجام اقدامات خشونت‌آمیز همواره ابراز نگرانی می‌کنند.

### فرقه وهابیت و دیوبندی

ریشه اصلی افکار وهابیت از اندیشه‌های ابن تیمیه شکل گرفت. احمدبن تیمیه، در سال

۶۶۱ ق. در حران، از توابع شام، به دنیا آمد و تحصیلات اولیه را در آنجا به پایان رساند. پس از حمله مغول به شام، با خانواده اش به دمشق رفت و در آنجا اقامت گزید. از سال ۶۹۸ ق، به تدریج آثار انحراف در اندیشه هایش ظاهر شد و شروع به انتشار و تبلیغ آن افکار کرد. ابن تیمیه تفکرات امویان در مخالفت با رویکردهای سایر فرق اسلامی، به ویژه مخالفت با اسلوب شیعه را در بزرگداشت آیین های اسلامی تئوریزه کرد. با این حال، طرح مجدد افکار ابن تیمیه به وسیله محمد بن عبدالوهاب در قرن ۱۲ صورت پذیرفت. ترویج افکار ابن تیمیه به وسیله عبدالوهاب در سرزمین نجد، با هماهنگی محمد بن سعود، حاکم درعیه در سال ۱۱۵۷ ق. آغاز شد و در ادامه، وی طی نبردهای خونینی بر سواحل خلیج فارس و تمامی منطقه حجاز تسلط یافت. شیخ محمد بن عبدالوهاب و امیر محمد بن سعود، در همه امور و همه تصرفاتشان، اتفاق تمام و کمال داشتند و در واقع امیر محمد بن سعود، مؤسس و بنیانگذار دولتی است که به حمایت از دعوت شیخ محمد بن عبدالوهاب می پردازد. پس از فتح ریاض، در سال ۱۱۸۸ ق، که در واقع زمان آغاز اقتدار وهابیت بود، شیخ از حکومت و سیاست کناره گیری کرده امور مسلمین را به دست امیر عبدالعزیز، جانشین امیر محمد بن سعود سپرد. این گونه است که از همان ابتدا، حکومت سعودی با اندیشه های وهابیت، پیوند عمیقی می خورد و هریک از این دو برای تقویت خود، به دفاع و طرفداری از دیگری می پردازد (کرمانی، ۱۳۸۲: ۱۲).

تعدادی از مورخان و وهابی پژوهان معتقدند، جرقه اصلی ایجاد تشکیلات وهابی گری و رشد اندیشه های ارتجاعی محمد بن عبدالوهاب در جهان اسلام و ترغیب وی به بسط آن ها، به وسیله یک جاسوس انگلیسی در امپراتوری عثمانی زده شد و تاکنون نیز، امرای وهابی عربستان سعودی، پیوسته از پشتیبانی استعمارگران قدیم و جدید برخوردار بوده اند. دیدگاه های مختلفی در تحلیل جریان وهابیت وجود دارد؛ برخی با استناد به کتاب هایی همچون خاطرات مستر همفر و یا تاریخ آل سعود، وهابیت را به طور تمام و کمال، دست پرورده انگلیس یا صهیونیسم و مورد حمایت آن ها می دانند. البته برخی هم، از جنبش وهابیت به مثابه یک جریان اصیل اصلاح طلب دینی با انگیزه های مذهبی و تأثیرات مثبت یاد کنند؛ اما به غیر از دو دیدگاه افراطی و تفریطی، دیدگاه سوم و میانه ای مطرح می شود که به واقعیت نزدیک تر است: وضعیت اجتماعی- فرهنگی عربستان درگیر عقب ماندگی فکری، مذهبی و اجتماعی شدیدی بود و جنبش وهابیت، که یک واکنش مذهبی در پاسخ به آن عقب ماندگی ها بود، شکل گرفت؛ اما این جنبش به میزان زیادی تحت تأثیر توطئه های استعمار واقع شد.

جنبش دیوبندی نیز در ۱۸۵۱م. در شهر کوچک دیوبند، در استان اوتارپرادش<sup>۱</sup> هند پایه‌گذاری شد. هدف اولیه آن، جلوگیری از گرایش‌های غیرمذهبی بود که با سلطه استعمار در شبه‌قاره رواج یافته بودند (کابلی، ۱۳۸۶). نقطه عطف پیدایش مکتب دیوبند را باید در سال‌های پیش از تأسیس دارالعلوم دیوبند جست‌وجو کرد. پایه‌گذار این فرقه، شاه ولی‌الله دیوبندی است که در الهیات و علوم انسانی صاحب‌نظر و از بزرگان دینی و مبلغان مذهبی حنفیه بود. شاه ولی‌الله معتقد بود که اسلام، روح اصیل خود را در منطقه از دست داده است و به همین علت حرکتی را برای ایجاد جریانی نوین در جهان اسلام و میان مسلمانان آغاز کرد (محمدی، ۱۳۶۸: ۹۹). نهضت شاه ولی‌الله در آغاز، یک نهضت فکری بود که اصلاح تفکر دینی و خرافه‌زدایی از زندگی جامعه مسلمان هند را هدف اساسی خود قرار داده بود. اما پس از او، پسرش، شاه عبدالعزیز (۱۷۴۶-۱۸۲۹) و نوه‌اش، شاه اسماعیل (۱۷۸۱-۱۸۳۷) آن‌را به یک جنبش اجتماعی-سیاسی تبدیل کرده و علیه انگلستان موضع گرفتند (مصباح، ۱۳۸۶). نظریه‌پردازان اصلی این مکتب، مولانا قاسم نانوتوی<sup>۲</sup> و شیخ احمد کنگوهی<sup>۳</sup> بودند که اولین مدرسه را با کمتر از بیست محصل در سال ۱۸۶۷م. تأسیس کردند. مدرسه دیوبند که در مسجد «چته»<sup>۴</sup> گشایش یافت (۱۵ محرم ۱۲۸۳ق. ۳۰ مه ۱۸۶۶م) و با یک محصل به نام محمود الحسن و یک استاد به نام مولوی محمود کار خود را آغاز نمود، به مرور گسترش پیدا کرد و تعداد زیادی از میان طبقات فرودست و فرزندان خرده‌مالکان و پیشه‌وران را در خود پذیرفت (ناظمیان فرد، ۱۳۹۰: ۱۳۳). در اندک مدتی، طلبه‌هایی از ایالات شمالی هند، پنجاب، بنگال، ایران و افغانستان نیز به دیوبند روی آوردند و این مرکز آموزشی بر سایر مدارس هند سایه افکند (هاردی، ۱۳۶۹: ۲۳۳) مدت زمانی طول نکشید که با افزایش تعداد مؤسسات، این مدرسه به یکی از مدارس بزرگ حنفی تبدیل شد تا جایی که بعضی از آن، به‌عنوان «الازهر آسیا» یاد کردند (خامنه‌ای، ۱۳۴۷: ۴۵). مؤسسان، هدف اصلی از تأسیس این مدرسه را تقویت مبانی اسلام براساس مذهب حنفی اعلام نموده‌اند (پیام آفتاب، ۱۳۸۷).

پس از این‌که مکتب دیوبندی رنگ و بوی سیاسی به‌خود گرفت، علمای وابسته به آن با همکاری تعدادی از علمای جناح‌های دیگر در سال ۱۹۱۹م. گروه «جمعیت العلمای هند» را به‌وجود آوردند و پس از تجزیه هند و تشکیل کشور پاکستان، اعضای شاخه انشعابی این گروه

1. Uttar Pradesh  
2. Qasim Nanotvi  
3. Ahmad Kingohi  
4. Chth

با عنوان «جمعیت العلمای اسلام»، فعالیت خود را در پاکستان امروزی از سر گرفتند (پیام آفتاب، ۱۳۸۷). طرفداران دیوبندی در این کشور، همواره در حال افزایش بوده و سرمایه‌گذاری وسیع عربستان و همچنین حمایت‌های دولتی ضیاءالحق، نخست‌وزیر وقت و جناح او، باعث گسترش مکتب دیوبندی در پاکستان شده است.

## اصول اعتقادی

از مهم‌ترین اصول اعتقادی فرقه وهابیت، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مسلمانان از اسلام راستین منحرف شده و در دین خدا بدعت‌هایی نهاده‌اند که با شرع اسلام مغایر است. منظور از بدعت‌ها، دلبستگی مسلمانان به آیین‌های اسلامی و برپایی سنت‌های پیامبر(ص) و معصومین(ع) است.

- القابی که به پاس عزت و احترام به پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) داده می‌شود، ناصواب است و احترام تنها شایسته خداست.

- سایر فرق اسلامی، اگر آئین وهابیت را نپذیرند، باید جزیه دهند؛ از این رو، تجاوز به اموال و نوامیس آن‌ها حلال است (جمشیدی‌راد، ۱۳۸۹: ۱۸۶).

- موهبت شفاعتی که پیامبران و اولیا از آن بهره‌مند هستند به دنیا ارتباط ندارد، بلکه آنان در سرای آخرت از چنین حقی برخوردارند. بنابراین اگر فردی در این دنیا به قصد برآورده شدن نیاز خویش، بین خود و خالق واسطه‌ای قرار دهد و چشم به شفاعت او داشته باشد، عملش شرک است، چون به بندگی غیر خدا روی آورده است.

- توسل جستن به مردگانی که در پیشگاه خدا مقرب هستند و اظهار نیاز نزد آنان، شرک تلقی می‌شود.

- ساختن زیارتگاه و نصب ضریح بر روی قبور جایز نیست، بلکه کاری شرک‌آمیز و انجام‌دهنده آن مشرک است.

- هرگونه استفاده از طلا، نقره، زیورات و کارهایی از این دست، در مشاهد متبرکه حرام است و باید ترک شود.

- زیارت قبور پیشوایان دین و بار سفر بستن از نقاط دور به قصد زیارت تربت پاک رسول اکرم(ص)، نارواست و از مصادیق شرک و پرستش غیر خدا خوانده می‌شود.

- مساجدی که پیرامون مرقد مشرف ساخته شده است، باید ویران گردند.

- وهابیون، همچنین مطالبی را به شیعه نسبت می‌دهند و به همین دلایل آنان را

بدعت‌گذار در دین می‌انگارند. از میان آنها می‌توان موارد زیر را یادآور شد:

- شیعیان، طواف بر گرد مزار امامان خود و حج به سوی مشاهد مشرفه را جایز دانسته و این عمل را بی‌نیازکننده از حج خانه خدا می‌پندارند.

- شیعیان برای پیامبر(ص) و امامان قربانی و نذر می‌کنند، درحالی‌که نذر فقط برای خداست.

- شیعیان، مرقد اولیای دین را مسجد فرض کرده و به سوی آن مراکز نماز می‌گذارند، همان‌گونه که به سوی کعبه نماز می‌گذارند.

دیوبندی‌ها از نظر اعتقادی شباهت زیادی به وهابیان دارند و نسبت به سایر فرقه‌های اسلامی حساسیت زیادی نشان می‌دهند. مبانی جنبش دیوبندی، براساس سه اصل پاکسازی اسلام از عناصر «ناپاک»، اجرای آیین جهاد، به‌عنوان یگانه راه مبارزه با کفر و شرک و مبارزه با مذهب شیعه و اولیای مقدس استوار شده است (کابلی، ۱۳۸۶).

بعضی از عقاید دیوبندی‌ها که نشان‌دهنده تعارض عمیق آنان با شیعیان و سایر فرقه‌های اهل سنت، به‌استثنای فرقه حنفی و درعین‌حال وجه تشابه آن‌ها با وهابیت است، عبارت‌اند از:

- زیارت قبور، گناه است؛

- اعتقاد به علم غیب حضرت رسول(ص)، شرک صریح است؛

- فرستادن صلوات و ختم قرآن برای رسیدن به ثواب، جایز نیست؛

- برگزاری جشن میلاد پیامبر(ص) درهرحال، جایز نیست؛

- بزرگداشت و برگزاری ترحیم برای روز سوم فوت کسی، روا نیست؛

- شفاعت خواستی و توسل جستن، شرک است (شفیعی، ۱۳۸۵: ۹۹).

وجه مشترک دو تفکر دیوبندی و وهابیت را باید در اعتقاد به احیای خلافت اسلامی، ضدیت با شیعیان و مخالفت با فرهنگ و تمدن غربی جست‌وجو کرد. مهم‌ترین اصل در اندیشه سیاسی دیوبندی و سایر گروه‌های بنیادگرای افراطی چون طالبان، احیای اصل «خلافت اسلامی» در نظام سیاسی اسلام است. «شاه ولی‌الله هندی»، سرسلسله نهضت بیداری اسلامی در شبه‌قاره که مکتب بنیادگرای دیوبندی متأثر از افکار اوست، احیای خلافت اسلامی را رکن اساسی در اسلامی شدن جامعه می‌دانست (مصباح، ۱۳۸۶). تسلط طالبان بر افغانستان، درواقع تحقق این تفکر بود. امروزه اسلام‌گرایان سنی از مسجد سرخ تا غارهای تورابورای افغانستان، تنها یک آرمان را فریاد می‌زنند و آن تشکیل خلافت اسلامی در منطقه است (خسروشاهی، ۱۳۸۶: ۲۴). این‌که چنین برداشتی توانایی عملی شدن دارد یا نه، موضوعی متفاوت است. ولی آرمان آن‌ها،



احیای خلافت اسلامی در کل جهان است که ابزار دستیابی به این هدف، «جهاد در راه خدا» تصور شده است و عملیات انتحاری علیه هر کس یا هر کشوری که مانع وقوع این آرمان شود، یک تکلیف شرعی و واجب است.

ضدیت با تشیع، از دیگر وجوه مشترک مکتب دیوبندی و وهابیت است. بنیادگرایی افراطی از نوع طالبانیسم که با توسل به حرب «تکفیر» به مبارزه با تمامی مذاهب و فرق اسلامی پرداخته و به غیر از خود، سایر گروه‌ها را باطل و حتی کافر می‌پندارد، برحسب نظر ابن تیمیه، کفر شیعه را بزرگ‌تر و گناه آن‌ها را عظیم‌تر از کفار اصلی می‌داند.

در تاریخ مکتب دشمنی با شیعه دیوبندی سابقه دیرینه‌ای دارد. در قرن هجدهم میلادی، ارزیابی شاه ولی‌الله دهلوی درباره شیعه چنین بوده است: «و از ذریت حضرت مرتضی سه فرقه ضاله برآمدند که هیچ تقصیر نکردند در به‌هم زدن دین محمدی، اگر حفظ او تعالی شامل حال این ملت نبود. همچون شیعه امامیه که نزدیک ایشان قرآن نقل ثقلت ثابت نیست... و در ختم نبوت زندقه پیش‌گرفته» (مصباح، ۱۳۸۶).

در تفکر دیوبندی که شیوه به‌روز شده جریان فکری ابن تیمیه و پیروان اوست، ضدیت با شیعه، بارز و مشخص است و پیروان آن براساس این‌گونه تفکرات، صدها نفر کودک، زن و مرد شیعه را به مناسبت‌های مختلف قربانی کرده‌اند. طالبان پس از تصرف شهر مزار شریف در سال ۱۳۷۷، دستور قتل‌عام وسیع شیعیان را صادر کرد و شبه‌نظامیان، شیعیان را گروه گروه به‌عنوان رافضی و کافر به خاک و خون کشیدند. افراد طالبان، که در جنگ اول مزار شریف در سال ۱۳۷۶، به اسارت نیروهای حزب وحدت اسلامی درآمده بودند، آشکارا از «وجوب جهاد» علیه ازبک‌ها سخن به میان آورده و کشته شدن در مقابل «جبهه متحد» را شهادت در راه خدا می‌دانستند (مصباح، ۱۳۸۶). همچنین، مخالفت با فرهنگ و تمدن غربی از دیگر وجوه اشتراک طرفداران مکتب دیوبندی و وهابی‌ها است. البته، مخالفت با غرب یکی از شعارهای اساسی تمامی گروه‌های بنیادگرای اسلامی بوده، اما آنچه بنیادگرایی افراطی طالبانی را از بقیه گروه‌های اسلامی جدا می‌سازد، نفی مطلق مدنیت غربی به‌وسیله آن‌ها است. طالبان در سایه ماهیت قبیله‌ای و قومی و ساختار سنتی و واپس‌گرای شدید خود، به‌طور اصولی و اساسی نمی‌توانستند سطح اندیشه و رویکرد خود را به‌اندازه متعارف و معقول با فرهنگ و تمدن معاصر منطبق سازند (قراگوزلو، ۱۳۸۲: ۷۳). از بعد دیگر، ابن تیمیه، بنیانگذار فکری وهابیت، مسلمانان را فرامی‌خواند تا تمامی روابط خود را با کفار قطع کنند و در تمامی امور با آن‌ها مخالفت ورزند. بنابراین، مسلمانان باید هیچ‌یک از ساخته‌های فیزیکی و فکری کفار را



به کار نگیرند، حتی اگر به ضرر مسلمانان باشد. به نظر او، مهم‌ترین مصلحت در این است که با آنها مخالف باشیم، برای این که در کارهای کفار مصلحتی به نفع ما نیست (نیات، ۱۳۸۵). مخالفت تعصب‌آمیز با تلویزیون، وسایل تصویربرداری، سینما و امثال آن، نشانه آشکاری بر روحیه ستیزه‌جوی آنان با مظاهر تمدن غربی است. با توجه به چنین تفکری است که تلویزیون و سینما در نزد طالبان، «ابزار شیطانی» دانسته شده و در ردیف آلات لهو و لعب، قرار می‌گیرند که مشروعیتی در دین ندارد (نیات، ۱۳۸۵). مخالفت طالبان با ابزار تصویری تا آنجا بود که امیرخان متقی، وزیر اطلاعات و فرهنگ طالبان، اظهار داشت: «پس از این، مردم عکس‌ها و آلبوم‌ها را در خانه‌های خود نگهداری نکنند؛ زیرا این مساله با اسلام در تضاد است.» (نیات، ۱۳۸۵). از این رو بود که در زمان حکومت طالبان، استفاده از رادیو و تلویزیون و نیز عکس‌برداری ممنوع اعلام شد و اجرا و پخش موسیقی جرم تلقی شد. توجه به نکات یادشده و ملاحظه هم‌خوانی اصول دیوبندیسم با آیین وهابیت، علت ضدیت این فرقه با شیعیان را قابل فهم‌تر می‌کند. این هم‌خوانی به ترویج ایده وهابیت در پاکستان کمک زیادی کرد و همچنین باعث افزایش میزان تنش و رقابت میان پاکستان و ایران در افغانستان شد. در زمان حکومت ژنرال ضیاء‌الحق در پاکستان، این فرقه به اوج قدرت خود رسید. ضیاء‌الحق در درجه اول، یک دیوبندی افراطی بود که نسبت به وهابیت علاقه نشان می‌داد و همین ویژگی بود که باعث شد پول زیادی از عربستان سعودی برای تأسیس مدارس مذهبی با هدف ترویج ایدئولوژی دیوبندی-وهابی، دریافت نماید (شفیعی، ۱۳۸۴: ۳).

### یافته‌های تحقیق

**روش‌ها و تکنیک‌های نفوذ و گسترش گروه‌های تروریستی (داعش، جبهه النصره)**  
گروه‌های تروریستی وابسته به فرقه وهابیت و دیوبندی، در بحران‌های ژئوپلیتیکی موجود در جهان اسلام، به صورت جدی نقش‌آفرینی می‌کنند و با توسعه بحران، سعی در کنترل این منطقه دارند تا به این وسیله، میزان حضور و نفوذ خود را در آن گسترش دهند. آن‌ها با ورود به این منطقه و ایجاد درگیری با حکومت‌ها و دولت‌ها، تلاش می‌کنند احکام به‌اصطلاح اسلامی مورد نظر خود را جاری سازند. از میان مهم‌ترین بحران‌هایی که گروه‌های وابسته به وهابیت و دیوبندی در آن‌ها دخول کرده‌اند، می‌توان به بحران‌های کشمیر، چین و عراق و سوریه اشاره کرد. شورش و ناآرامی ناشی از فعالیت گروه‌های وابسته به فرقه وهابیت و دیوبندی در

کشمیر، به صورت جدی، از سال ۱۹۸۹ شروع شد. در این سال، شبه‌نظامیان مسلمان مخالف حکومت هند در کشمیر با هدف الحاق دو بخش از این سرزمین، دست به شورش مسلحانه زدند که با تداوم آن، تاکنون بیش از ۴۰ هزار نفر کشته شده‌اند و ۱۰ گروه شبه‌نظامی علیه دولت هند فعالیت می‌کنند. ادعای مقامات هندی این است که پاکستان به شورشیان منطقه که خواستار جدایی کشمیر هستند، کمک می‌کند، اما مقامات اسلام‌آباد تنها بر حمایت معنوی پاکستان از این افراد صحه می‌گذارد. این گروه‌های مسلح، به‌طور عمده تحت تأثیر آموزه‌های مکتب وهابیت و دیوبندی هستند که باهدف رهایی مسلمانان منطقه از زیر سلطه هندی‌ها، اقدامات مسلحانه انجام می‌دهند. البته دولت پاکستان نیز برای اعمال فشار بر هند، دست این گروه‌ها را در استان وزیرستان باز گذاشته است تا با تبلیغ عقاید خود، مسلمانان منطقه را علیه هند بشوراند. وهابیت، در چچن نیز پس از جنگ اول با روسیه قدرت یافت. مسلمانان چچن که در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ در جنگ علیه نیروهای روسی شرکت فعال داشتند و در دوران پس از جنگ نیز پست‌های کلیدی را در ساختارهای نظامی، سیاسی و مذهبی اشغال کردند، با بهره‌گیری از حمایت‌های مالی عربستان سعودی در تمام نقاط قفقاز، فعالیت مذهبی و سیاسی خود را گسترش دادند. وهابی‌ها، جوانان بیکار را به سوی خود جلب می‌کردند و تمام مسلمانان را علیه نیروهای روسی برمی‌انگیختند. فعالیت رادیکالی وهابی‌ها باعث ایجاد و گسترش موج مخالفت در میان مسلمانان چچن، داغستان، اینگوش و پیروان صوفی شد و بر میزان ناامنی و بحران در چچن دامن زد. رهبران تندرو چچن-همچون باسایف<sup>۱</sup> سلمان رادایف<sup>۲</sup> و مولادی ادگایف از کسانی بودند که به حمایت آشکار وهابیت در چچن می‌پرداختند (معینی‌فر و خیری، ۱۳۸۹: ۱۵۶). بنا به گفته‌های منابع روسی، حدود ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ نفر از اتباع چچن، داغستان و بخش‌های دیگر قفقاز شمالی از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ برای آموزش به اردوگاه‌های طالبان در پاکستان اعزام شدند که تعلیماتی درباره اصول اسلام و شریعت نیز درمیان این آموزش‌ها گنجانده شده بود. هدف اعلام شده، تأسیس دولت اسلامی قفقاز شمالی بود که با خواست رزمندگان جهادی (گروه جماعت) خارجی نیز تناسب داشت (همان: ۱۶۸). در بحران سوریه و عراق نیز گروه‌های مسلح و تروریستی وابسته به جریان سلفی- وهابی با هدف شکل‌دهی به یک خلافت اسلامی، علیه دولت‌های مرکزی این دو کشور، اقدامات مسلحانه و تروریستی انجام می‌دهند و سوریه و عراق را به کشورهای فروپاشیده تبدیل کرده‌اند.

1. Bassayef

2. Salman Radayef

جبهه النصره در مقایسه با داعش، رویکردی تدریجی را در شکل‌دهی به دولت دنبال می‌کند. این گروه، برتری یافتن اجتماعی و تبلیغ را بیش از فتح مستقیم سرزمین و اعلام سریع دولت موردتوجه قرار داده است. النصره، این کار را بخشی از استراتژی بلندمدت خود برای پذیرش و به‌دست آوردن محبوبیت انجام می‌دهد تا از واکنش مردم جلوگیری نماید. آن‌ها از طریق همکاری با شبکه‌های تروریستی و یا تأثیرگذاری در گروه‌های شورشی، فعالیت‌های خود را در سرتاسر سوریه گسترش داده‌اند. این گروه همچنین به‌عنوان نیروی تقویت‌کننده دیگر گروه‌ها عمل می‌کند و از واحدهای کوچک متشکل از مبارزان ماهر، مہب‌گذارهای انتحاری و روش‌های نامتقارن در مبارزه با رژیم اسد استفاده می‌نماید (کافارلا، ۲۰۱۴: ۸-۹).

استراتژی جبهه النصره برای سوریه، در چارچوب هویت این گروه، شاخه‌ای از القاعده تلقی می‌شود. جبهه النصره، در واقع یک سازمان نظامی، مذهبی و سیاسی است که نبرد مسلحانه علیه دولت سوریه را در چارچوب منافع جنبش جهانی القاعده تعقیب می‌کند؛ اما داعش، استراتژی متفاوتی نسبت به جبهه النصره دارد. در واقع باید گفت، گروه جبهه النصره، در ابتدا به‌دنبال مقداری پذیرش اجتماعی است و بعد از آن گسترش سرزمینی را دنبال می‌کند، در حالی که داعش، کنترل فیزیکی سرزمین را قبل از پذیرش اجتماعی مد نظر دارد (همان: ۱۰).

### پیامدهای ژئوپلیتیکی گسترش نفوذ گروه‌های افراطی در جهان اسلام

گسترش اندیشه‌های وهابیت و دیوبندی و گروه‌های وابسته به آن در جهان اسلام، بازتاب‌ها و پیامدهای ژئوپلیتیکی متعددی برای کشورهای اسلامی به‌همراه داشته است. از مهم‌ترین این پیامدها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

#### ۱. رشد و گسترش تروریسم و حملات تروریستی در جهان اسلام

از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون، تقریباً یک‌صد کشور هدف حملات تروریستی قرار گرفته‌اند. جدول شماره ۱، کشورهایی را نشان می‌دهد که طی این دوره در معرض اقدامات تروریستی بوده‌اند.<sup>۱</sup> تقریباً دو‌سوم این حملات، در دو دهه گذشته صورت گرفته است و کشورهای محل وقوع آن‌ها، هنوز هم در معرض این تهدید قرار دارند. سی و چهار کشور در این جدول از کشورهای اسلامی هستند که نشان از آسیب‌پذیر بودن مسلمانان در مقابل حملات تروریستی دارد (کوهن، ۱۳۸۷: ۱۸۵). آمارهای جدیدتر، نشان‌دهنده افزایش تعداد و قربانیان حملات تروریستی

۱. به‌سبب سرعت وقوع رویدادها در جهان امروز، جدول مورد اشاره قابلیت تغییر زیادی دارد. برای مثال، باتوجه به دو حادثه تروریستی اخیر کانادا و داهمارک، این دو کشور را نیز می‌توان در دسته‌بندی‌های این جدول جای داد.

است. به طوری که تنها در سال ۲۰۱۱، بیش از ۱۰۰۰۰ حمله تروریستی در ۷۰ کشور جهان به وقوع پیوسته و نتیجه آن کشته شدن بیش از ۱۲۵۰۰ نفر بوده است (ان.سی.تی.سی، ۲۰۱۲: ۹). جدول شماره ۱. کشورهای که پس از جنگ جهانی دوم هدف حملات تروریستی قرار گرفته‌اند.

منطقه	کشورها
آمریکای شمالی و مرکزی	السالوادور، گواتمالا، نیکاراگوئه، ایالات متحده
آمریکای جنوبی	آرژانتین، بولیوی، شیلی، کلمبیا، اکوادور، پرو، اروگوئه
اروپای ساحلی و مغرب	اتریش، فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا، اسپانیا، بریتانیا، مراکش، الجزایر
اروپای شرقی	آلبانی، کرواسی، قبرس، کوزوو، مقدونیه
روسیه هارتلندی و پیرامون	ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، تاجیکستان، ازبکستان
خاورمیانه و شاخ آفریقا	افغانستان، بحرین، جیبوتی، مصر، اریتره، اتیوپی، ایران، عراق، اسرائیل، اردن، کویت، لبنان، فلسطین (کرانه باختری و نوار غزه)، عربستان سعودی، سودان، سوریه، تونس، ترکیه، یمن
آسیای جنوبی	بنگلادش، برمه، هندوستان، پاکستان، سریلانکا
آسیای شرقی	کامبوج، چین، لائوس، ویتنام
حاشیه آسیا- پاسیفیک	تیمور شرقی، اندونزی، ژاپن، کره، مالزی، فیلیپین، تایلند
آفریقای زیر صحرا	آنگولا، بوروندی، کنگو، گینه، کنیا، لیبیا، موزامبیک، نامیبیا، نیجریه، سیرالئون، آفریقای جنوبی، تانزانیا، زیمبابوه

منبع: (کوهن، ۱۳۸۷: ۱۸۶)

هر دو جریان دیوبندی و وهابیت، اقدام به جهاد علیه کفار را میان طرفداران خود تبلیغ می‌کنند. شاه ولی‌الله دهلوی، رهبر مکتب دیوبندی، جهاد در راه خدا را ابزاری برای مبارزه با کفار می‌دانست و پس از تأسیس مدارس دیوبندی در هند، مدرسان آن‌ها، به‌طور رسمی، جهاد را به دانش‌آموزان این مدارس آموزش می‌دادند (باشگاه اندیشه، ۱۳۸۶). فرقه وهابیت هم متأثر از افکار و اندیشه‌های ابن تیمیه است، در نتیجه، مبلغ افکاری مشابه بوده و در مدارس دینی، این فرقه که از سوی این مکتب و با کمک دولت عربستان سعودی در پاکستان اداره می‌شود، جهاد علیه دشمنان را به عنوان عملی واجب، به‌صورت علنی و رسمی، در میان

دانش‌آموزان (طلبه‌ها) تبلیغ می‌کند. این فعالیت‌ها موجب ترویج خشونت و صدور مجوز انجام اقدامات تروریستی به وسیله پیروان این دو فرقه، علیه دیگر مسلمانان و اتباع سایر کشورها شده است. هم‌اکنون، گروه‌های تروریستی وابسته به وهابیت و دیوبندی، هر روز اقدامات تروریستی متعددی علیه شهروندان کشورهای اسلامی انجام می‌دهند و در نتیجه کشورهای مسلمانی مانند: عراق، سوریه، افغانستان، پاکستان در صدر کشورهای قرار گرفته‌اند که در آن‌ها اقدامات تروریستی انجام می‌شود.

آمار اعلام شده در چند سال اخیر حاکی از آن است که تمرکز جغرافیایی حملات تروریستی بیش از پیش افزایش یافته، به طوری که در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ میلادی بیش از ۷۵ درصد کل حملات تروریستی، در جنوب آسیا و خاور نزدیک اتفاق افتاده است. در سال ۲۰۱۱، ۷۷۲۱ حمله تروریستی در این دو منطقه صورت گرفته، که نتیجه آن کشته شدن ۹۲۳۶ نفر بوده است. ۸۵ درصد حملات تروریستی در این دو منطقه، در سه کشور مسلمان عراق، افغانستان و پاکستان به وقوع پیوسته و حملات تروریستی در این ۳ کشور، ۶۵ درصد از کل حملات تروریستی جهان در سال ۲۰۱۱ را در برمی‌گیرد. از سوی دیگر، در سایر مناطق و قاره‌ها نیز برخی از کشورهای مسلمان بیش از همسایگان خود شاهد حملات تروریستی بوده‌اند. در قاره آفریقا، سه کشور سودان، نیجریه و سومالی بیشترین تعداد حملات تروریستی را تجربه کرده‌اند و در قاره اروپا و منطقه اوراسیا، دو کشور ترکیه و روسیه ۷۰ درصد از حملات تروریستی سال ۲۰۱۱ این قاره را به خود اختصاص داده‌اند (ان.سی.تی.سی، ۲۰۱۲: ۱۲).

حال، گروه‌های افراطی و تروریستی زیادی، تحت تأثیر مکاتب دیوبندی و وهابیت، در جهان اسلام فعال شده‌اند. از این گروه‌های فرقه‌ای می‌توان به سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، لشکر طیبیه، جیش محمد، حرکت المجاهدین، حرکة الجهاد الاسلامی پاکستان، تحریک طالبان پاکستان، تحریک نفاذ شریعت محمدی، الشباب، بوک الحرام، داعش، ابوسیف، جنبش طالبان افغانستان و القاعده اشاره کرد که در نقاط مختلف جهان اسلام مشغول انجام اقدامات تروریستی، به ویژه علیه مسلمانان هستند.

جدول شماره ۲. گروه‌های تروریستی وابسته به جریان‌های وهابی، سلفی و دیوبندی

نام سازمان تروریستی	محل فعالیت	مقیاس عملکرد	هدف سرزمینی و جغرافیایی
گروه ابوسیفاف	جنوب فیلیپین	داخلی (ملی)	خودمختاری مسلمانان غرب مینداناو و مجمع الجزایر سولو
لشکر طیبه	کشمیر، پاکستان، جنوب آسیا	منطقه‌ای/ بین‌المللی	هدف این گروه تشکیل یک دولت اسلامی در جنوب آسیا و آزادی مسلمانان کشمیر هند اعلام شده است.
جماعت اسلامی	اندونزی، مالزی و فیلیپین	منطقه‌ای/ بین‌المللی	شکل‌دهی به یک خلافت اسلامی که اندونزی، مالزی، جنوب تایلند، سنگاپور، برونئی و جنوب فیلیپین را پوشش دهد.
بوکو الحرام	شمال نیجریه، شمال کامرون، جنوب نیجر، چاد	منطقه‌ای/ بین‌المللی	اجرای شریعت اسلامی و درنهایت تأسیس یک حکومت براساس شریعت اسلام
دولت اسلامی عراق و شام	سوریه، عراق، لبنان	منطقه‌ای/ بین‌المللی	شکل‌دهی به یک خلافت اسلامی در منطقه شامات و عراق
لشکر جهنگوی	پاکستان، افغانستان	منطقه‌ای/ بین‌المللی	مقابله با بدعت‌گذاران در دین اسلام (شیعیان) در افغانستان و پاکستان
الشباب	مرکز و جنوب سومالی	ملی	شکل‌دهی یک دولت اسلامی

شبکه جهانی القاعده	خاورمیانه، آفریقا، شبه‌قاره، شرق آسیا	جهانی	اخراج غربی‌ها و غیرمسلمانان از سرزمین‌های اسلامی، سرنگونی رژیم‌های غیراسلامی و ایجاد یک خلافت اسلامی در سراسر جهان.
-----------------------	--	-------	--

(Country Reports on Terrorism 2010, 198- 202)

## ۲. گسترش فرقه‌گرایی و خشونت مذهبی در جهان اسلام

در برخی از کشورها و مناطق اسلامی، رشد تفکر مکاتب وهابیت و دیوبندی موجب شده است که خشونت‌های قومی- مذهبی میان اقوام و مذاهب مختلف به‌طور فزاینده‌ای گسترش یابد. خشونت‌هایی که با اهداف سیاسی، غیرنظامیان و گروه‌های قومی- مذهبی دیگر را هدف قرار می‌دهند. خشونت‌های قومی و فرقه‌گرایی‌هایی که بر اثر ترویج این دو جریان به‌وجود آمده‌اند، به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته خشونت‌های بین ادیانی هستند که در گذشته، به‌طور عمده، بین متعصبین افراطی مسلمان با مسیحیان، بودایی‌ها، هندوها، سیک‌ها و غیره به‌وقوع می‌پیوست. خشونت‌ها در منطقه کشمیر از مصادیق این خشونت‌های بین ادیانی است، اما در چند سال اخیر فرقه‌های مختلف مذهبی، در درون ادیان و مذاهب خود نیز برخوردهای شدیدی داشته و از حملات خشونت‌بار علیه یکدیگر استفاده کرده‌اند که در این میان وهابیون و سلفی‌ها، به‌همراه طرفداران دیوبندی، نقش اصلی را بازی می‌کنند. از مناطق جغرافیایی که در آن‌ها فرقه‌گرایی درون ادیانی شکل گرفته است، می‌توان به منطقه جنوب غرب آسیا، به‌ویژه کشورهای پاکستان و عراق اشاره کرد. فرقه‌های مختلف مذهبی مانند وهابیت، دیوبندی، سلفی، بریلوی، اهل حدیث و غیره در این کشورها از اقدامات تروریستی علیه یکدیگر استفاده می‌کنند و نتیجه آن کشته و زخمی شدن هزاران نفر در سال‌های اخیر بوده است. در مدارس دیوبندی و وهابی، علیه مسلمانان شیعه فتوا صادر می‌شود و دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که شیعیان را کافر بنامند؛ برای نمونه، کراچی در سال‌های اخیر، به یکی از کانون‌های اصلی خشونت‌های فرقه‌ای و اقدامات تروریستی تبدیل شده است (کلستاد، ۲۰۰۹: ۱۸).

اما نکته ضروری و قابل تأمل این است که برای اولین بار در تاریخ پاکستان، خشونت فرقه‌ای در درون خود جامعه اهل سنت، بین سنی‌های دیوبندی که متعلق به سپاه صحابه پاکستان و لشکر جهنگوی هستند و سنی‌های بریلوی، که به تحریک سنی وابسته‌اند، شکل گرفت.



همچنین، در سال ۱۹۹۸ علم تنظیم اهل سنت به وسیله پیر افضل قادری و به فرماندهی ژنرال محمود عزیز در گجرات<sup>۱</sup> پنجاب تأسیس شد تا با فعالیت‌های ارتش دیوبندی مبارزه کند. دلیل اعتراض پیروان «علم تنظیم اهل سنت» این بود که اعتقاد داشتند، ارتش نه تنها به بدنه جامعه پاکستان سم وهابیت تزریق می‌کند، بلکه جوانان سنی را هم برای جهاد علیه هند در جامو و کشمیر تحریک می‌نماید؛ بنابراین، توسعه و گسترش افکار وهابیون و دیوبندی‌ها در جهان اسلام، خشونت مذهبی و فرقه‌گرایی را نه تنها بین پیروان این دو جریان و شیعیان، بلکه در میان سایر مکاتب و فرق اسلامی گسترش داده و به اتحاد و وحدت جهان اسلام آسیب جدی وارد کرده است.

### ۳. اسلام‌هراسی

اقدامات وحشیانه و غیرانسانی گروه‌های افراطی وابسته به وهابیت و دیوبندی در کنار تبلیغات رسانه‌ای غرب، موجب شده است که عمل این گروه‌ها به نام اسلام و مسلمانان نوشته شود. در واقع، رفتار وهابیون و پیروان مکتب دیوبندی در جهان اسلام و خارج از آن، دستاویزی برای ترویج اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی است. غرب با استفاده از ابزار رسانه‌ای و تبلیغاتی به منظور اسلام‌هراسی و مبارزه با گسترش اسلام در جهان، به دنبال برجسته‌تر نشان دادن اقدامات وهابیت و فرقه‌های سلفی و دیوبندی است تا با این کار چهره اسلام را بد، خشن و غیرانسانی جلوه دهد. به همین دلایل، تصویرها و برداشت‌های ویژه‌ای از اسلام و مسلمانان ترویج می‌شود که در آنها، مسلمانان به مثابه گروهی استثنایی، دارای جمود فکری و متمایل به خرافات، خشونت، ترور و سلطه‌گری معرفی می‌شوند (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۰۸). این اقدامات سبب شده است موج اسلام‌هراسی از اروپا و ایالات متحده آمریکا فراتر رفته و بر کشورهایی چون استرالیا، چین و هند نیز سایه بیفکند. ویژگی‌های تصاویری را که رسانه‌های غربی، در نتیجه اقدامات گروه‌های افراطی وهابی، سلفی و دیوبندی از تمدن اسلامی نشان می‌دهند می‌توان در موارد زیر به اختصار بیان کرد:

- تمدن اسلامی؛ بلوکی یکپارچه، ایستا و بدون انعطاف درمقابل تغییرات است؛

- تمدن اسلامی؛ «دیگر»ی مجزا است که عاری از ارزش‌های مشترک با فرهنگ‌های دیگر است، به نحوی که از آن‌ها تأثیر نمی‌پذیرد و در آن‌ها تأثیر نمی‌گذارد.

- تمدن اسلامی؛ تمدنی فرودست در برابر تمدن غرب و حاوی بربریت، غیرعقلانیت، بدویت

1. Gujarat

و جنسیت‌گرایی است؛

- تمدن اسلامی؛ تمدنی خشن، ستیزه‌جو، تهدیدکننده و حامی تروریسم است که خود را در یک رویارویی تمدنی درگیر کرده است.

- اسلام؛ نوعی ایدئولوژی سیاسی است که از آن برای اهداف سیاسی و نظامی استفاده می‌شود؛ (کمیسون مسلمانان و اسلام‌هراسی انگلستان، ۱۹۹۷).

#### ۴. شکل‌گیری کشورهای ورشکسته و کاهش قدرت جهان اسلام

خشونت‌های مذهبی و اقدامات تروریستی گروه‌های وابسته به وهابیون و مکتب دیوبندی که با حمایت عربستان سعودی و پاکستان صورت می‌پذیرد، باعث شده است تا تعدادی از کشورهای اسلامی در قلب جهان اسلام، به کشورهای ورشکسته و ضعیفی تبدیل شوند که قادر نیستند بر تمامی قلمرو سرزمینی خود کنترل داشته باشند. با بررسی برخی از کشورهای اسلامی مانند عراق، افغانستان، پاکستان، سوریه، یمن، لیبی، سودان و... که وهابیت، فرقه دیوبندی و سلفی‌ها در آن‌ها حضور و نفوذ دارند، می‌توان به این نتیجه رسید در هر کشوری که گروه‌های وابسته به این اندیشه‌ها نفوذ کرده‌اند، بی‌ثباتی و ناامنی شکل‌گرفته، از اقتدار ملی آن کاسته شده و در اصطلاح به کشوری ورشکسته تبدیل شده است. با توسعه نفوذ گروه‌های خشونت‌طلب وهابی و دیوبندی در کشورهای اسلامی، بر تعداد کشورهای ورشکسته جهان اسلام افزوده شده است و این امر نتیجه‌ای جز کاهش وزن ژئوپلیتیکی و قدرت جهان اسلام در معادلات منطقه‌ای و جهانی نخواهد داشت.

#### نتیجه‌گیری

رشد و گسترش اندیشه‌های مکاتب وهابی، سلفی و فرقه انحرافی دیوبندی در دهه‌های اخیر، بسیاری از کشورهای اسلامی را با تهدیدات جدی مواجه کرده و اتحاد مسلمانان را به خطر انداخته است. عربستان سعودی و پاکستان که حمایت مادی و معنوی این جریان‌ها را بر عهده دارند، تلاش می‌کنند با استفاده از ابزارهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و گسترش این اندیشه‌ها، حوزه نفوذ معنوی و ژئوپلیتیکی خود را در جهان اسلام و حتی فراتر از آن گسترش دهند. در میان گروه‌های افراطی و تروریستی، دو گروه داعش و جبهه‌النصره از میزان نقش‌آفرینی و قدرت بیشتری برخوردارند. این دو گروه که تحت تأثیر آموزه‌های مکتب وهابیت و فرقه دیوبندی قرار دارند، اقدامات خشونت‌آمیزی را در کشورهای اسلامی عراق و سوریه مرتکب

می‌شوند. داعش و جبهه النصره، از روش‌ها و تکنیک‌های متفاوتی برای توسعه نفوذ و گسترش قلمرو جغرافیایی خود استفاده می‌کنند. گروه جبهه النصره، در ابتدا به دنبال مقداری پذیرش اجتماعی است و بعد از آن گسترش سرزمینی را دنبال می‌کند، در حالی که داعش، کنترل فیزیکی سرزمین را قبل از پذیرش اجتماعی مدنظر دارد. رقه، شهر مرکزی در شبکه سرزمینی این گروه است و به‌عنوان پایتخت آن‌ها شناخته می‌شود. شیوه حکومت در این شهر، یک مدل کامل از نوع خلافت داعش را به نمایش می‌گذارد.

در نهایت، پیامد این رفتارها و اقدامات، چیزی جز فرقه‌گرایی و خشونت مذهبی، رشد تروریسم، تضعیف کشورهای اسلامی، ایجاد اسلام‌هراسی و... نخواهد بود.

## منابع

- باشگاه اندیشه (۱۳۸۶)، «پاکستان، اتحاد دیوبندی و سلفی‌گری».

<http://www.bashah.net/pages-42941.html>

- پیام آفتاب (۱۳۸۷)، «فرقه دیوبندی»، <http://www.aftab.ir/articles/religion/514004-html>

- جمشیدی‌راد، جعفر (۱۳۸۹)، «فرقه وهابیت و اهداف سیاسی آن»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۹

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۴۷)، مسلمانان در نهضت هندوستان، ناشر آسیا.

- خسروشاهی، هادی (۳۸۶)، «تحولات جنوب آسیا در بستر نزاع شرق و غرب»، همشهری دیپلماتیک، ش ۱۷.

- شفیعی، نوذر (۱۳۸۴)، «جایگاه پاکستان در رشد اسلام‌گرایی»، همشهری دیپلماتیک، ش ۱۶.

- شفیعی، نوذر (۱۳۸۵)، «نقش دیوبندیسم در سیاست و حکومت پاکستان با تأکید بر جمعیت علمای اسلام»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، ۲۹ اسفند.

- شفیعی، نوذر (۱۳۸۶)، «ریشه‌ها و پیامدهای درگیری نیروهای مذهبی با دولت پاکستان»، همشهری دیپلماتیک، ش ۱۶.

- فراگوزلو، محمد (۱۳۸۲)، «افغانستان؛ پایان همایش بنیادگرایان»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۷۳-۱۷۴.

- قنبرلو، عبدا... (۱۳۸۹)، «۱۱ سپتامبر و گسترش پدیده اسلام‌هراسی در غرب»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم.

- کابلی، کمال (۱۳۸۶)، «جنبش دیوبندی» <http://www.bashgah.net/pages-27841.html>

- کرمانی، طوبی (۱۳۸۲)، «نگاهی بر وهابیت، مقالات و بررسی‌ها»، دفتر ۷۳.

- کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک نظام جهانی، مترجم عباس کاردان، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.

- محمدی، محمدکاظم (۱۳۶۸)، سیمای پاکستان، تهران: انتشارات نشر فرهنگ اسلامی.

- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۶)، «دیوبندی، پشتون‌یسم، طالبانیسم»، <http://www.bashgah.net/pages-88841.html>

- مسجدجامعی، زهرا (۱۳۸۰)، نظری بر تاریخ وهابیت، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.



- معینی‌فر، حشمت‌السادات، مهری خیری (۱۳۸۹)، «نقش و تأثیر وهابیت در بحران چین»، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۷.
- ناظمیان‌فرد، علی (۱۳۹۰)، «درالعلوم دیوبند، زمینه‌ها و راهبردها»، زاهدان: فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال سوم، شماره ۹
- نیات، محمد (۱۳۸۵)، «ریشه‌های فکری طالبان و القاعده»، <http://www.bashgah.net/topics-8001>.
- هاردی، پیتر (۱۳۶۹)، مسلمانان هند بریتانیا، ترجمه: حسن لاهوتی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- Cafarella, Jennifer(2014), Middle East Security Report 25, Jabhat Al-Nusra In Syria, An Islamic Emirate For Al-Qaeda, Institute For The Study Of War.
- Charles C. Caris & samuel Reynolds(2014), MIDDLE EAST SECURITY REPORT 22, ISIS Governance In Syria, Institute for the Study of War, July 2014.
- Commission on British Muslims and Islam phobia, (1997), Islam phobia: A challenge for Us All, UK: Runnymede Trus. Its summary is available at: Country Reports on Terrorism 2010, United States Department of Stat, and Office of the Coordinator for Counterterrorism Released August 2011.
- Kolstad Wiig, Audun(2009); Islamist opposition in the Islamic Republic Jundullah and the spread of extremist Deobandism in Iran, Norwegian Defence Research Establishment(FFI).
- NCTC, Report on Terrorism (2012), National Counterterrorism Center, Office of the Director of National Intelligence, Washington, DC 20511.
- Www. Runnymedetrus. Org/uploads/publications/pdfs/islamophobia.pdf.